

محمود واعظی گفته: اگر می‌خواهیم شاخص اعتماد به وضع مطلوبی برسد همه بخش‌های جامعه که دولت هم بخشی از آن، ولو بخش بزرگی از آن است، باید وارد میدان شوند.

حمایت از پیام رسان‌های بومی به معنای فیلترینگ نیست!



محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در پاسخ به سوالی درباره «نظر دولت در مورد تلگرام و جایگزینی پیام‌رسان بومی» می‌گوید: آقای رئیس‌جمهور کاملاً شفاف نظرشان را در این باره گفتند. دولت حتماً معتقد به حمایت از پیام‌رسان‌های بومی است. نه الان، که از دولت یازدهم و زمانی که بنده در وزارت ارتباطات مسئولیت داشتم، قویاً این رویکرد را دنبال کردیم، الان هم در همین مسیر هم‌زمان با تأکید بر تکمیل شبکه ملی اطلاعات حرکت می‌کنیم. البته همان طوری که آقای رئیس‌جمهور گفتند، هدف دولت از این حمایت فیلترینگ یا ایجاد محدودیت برای پیام‌رسان‌های پرمخاطب و مورد استفاده عمومی مردم نیست، هدف این است که انحصار نرم‌افزارهای خارجی از بین برود.

به گزارش اسپادانا خبر، محمود واعظی در گفت‌وگویی صریح تأکید کرد نه تنها جهت‌گیری‌های سیاسی خود را در مدیریت دفتر دخالت نمی‌دهد، بلکه آغوش او برای همه طیف‌های سیاسی کشور، اعم از اصلاح‌طلب، اصولگرا و اعتدالی باز است. او همچنین وجود هرگونه اختلاف یا دوگانه واعظی - جهانگیری در دولت را رد و گفته منتقدان خود را تأیید می‌کند که ساز و کار و زمان دسترسی وزرا به رئیس‌جمهوری بهینه شده و افزایش یافته است.

او در پاسخ به سؤالی انتخاباتی از جایگاه حزبی خود، بحث درباره دو انتخابات آینده را زود هنگام می‌داند اما تأکید دارد دولت علاقه‌مند است جناح معتدل کشور، اعم از اصولگرایان میانه، اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان با هم انسجام و ائتلاف داشته باشند.

واعظی همچنین سیاست دولت در فضای مجازی را رقابت‌پذیری و نه فیلترینگ می‌داند.

مشروح گفت‌وگوی «ایران» با واعظی را در ادامه می‌خوانید:

برای پاسخ دادن به بحث‌هایی که در مدت حضور شما در مسئولیت جدید مطرح شده است، در ابتدا بفرمایید وظایف رئیس دفتر رئیس‌جمهوری چیست؟

دفتر رئیس‌جمهوری در همه کشورها یک مسئولیت بسیار خطیر است. این دفتر یک شرح وظایف پیچیده و متنوع درباره مسائل اداری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روابط عمومی، سیاست داخلی و خارجی تا ارتباط با شخصیت‌ها، نهادها و عموم مردم را دارد. تنظیم ارتباطات رئیس‌جمهوری با همه این حوزه‌ها با دفتر رئیس‌جمهوری است. از این رو انتظار می‌رود دفتر رئیس‌جمهوری برای همه این موارد برنامه‌ریزی و طراحی داشته باشد و برای اجرای بهینه امور نیز از بهترین نیروها و صاحب‌نظران بهره بگیرد؛ یعنی چه افرادی که در داخل دفتر و نهاد، همکار رئیس دفتر رئیس‌جمهوری هستند و چه نیروهای خوشفکری که بیرون از مجموعه نهاد فعال هستند. از این منظر، دفتر رئیس‌جمهوری جایی است که باید کمتر اشتباه کند. وظیفه ما در تیم دولت این است که اگر جای دیگری سهواً مرتکب خطایی شد، ما مانع شویم و اصلاح کنیم و طبعاً اگر خودمان خطا کردیم، کار بسیار مشکل می‌شود. علاوه بر این، مأموریت دیگری متوجه دفتر رئیس‌جمهوری هست که اتفاقاً نوشته شده نیست. منظور، وظایف رئیس‌جمهوری و مأموریت‌های ایشان براساس قانون اساسی است که هماهنگی و زمینه‌سازی برای

انجام این امور برعهده دفتر رئیس جمهوری است. همچنین دفتر وظیفه دارد زمینه تحقق قولها و وعده‌های رئیس جمهوری به مردم را فراهم کند و برای هرچه بهتر اجرایی شدن ایده‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی ایشان و آنچه ایشان اساساً برای آن برنامه دارند، تلاش کند.

نه فقط رسانه‌های منتقد دولت، بلکه گاه دیده می‌شود رسانه‌ها و جریان‌های حامی دولت هم انتقادهایی را درباره فعالیت‌های دفتر رئیس جمهوری مطرح می‌کنند. تحلیل شما از علت طرح این مسائل چیست؟

اولاً این طور نیست که هرکسی از جانب خود بتواند ادعا کند که من، گروه یا روزنامه من، از نظر فکری، دولتی یا نزدیک به دولت است. گو اینکه ممکن است کسی در مقطع دولت یازدهم سیاستی داشته و به دولت نزدیک بوده باشد اما اکنون برای انتخابات مجلس در سال 1398 یا انتخابات ریاست جمهوری در سال 1400، اهداف، برنامه‌ها و رویکردهای دیگری داشته باشد. سیاست است و رقابت، در اصل خود ایرادی ندارد. در این صورت چه بسا برای دستیابی به آن اهداف، از هم‌اکنون اقدامات و برنامه‌های خود را آغاز کند و بخواهد جور دیگری عمل کند. لذا نمی‌توانیم به صورت صفر و صدی به مسائل و مواضع سیاسی نگاه کنیم. به این هم اشاره کنم که بعضاً می‌بینیم برخی حرف‌ها را خودشان هم می‌زنند، مثلاً اینکه می‌گویند باید به گونه‌ای عمل کنیم تا بتوانیم پاسخگو باشیم، معنی این حرف آنان این است که از مزایای دولت استفاده کنیم اما زیر بار مسئولیت بقیه مطالب دولت نرویم. البته مردم ما همیشه فهیم بوده و بخوبی همه چیز را تشخیص می‌دهند. مثلاً در مورد استیضاح 3 وزیر در اواخر سال گذشته مواردی به دفتر رئیس جمهوری نسبت داده شد که مطلقاً درست نبود.

گاهی بحث‌های دیگری هم مطرح می‌شود مبنی بر اینکه شما دفتر رئیس جمهوری را «سرسختانه» اداره می‌کنید، «گزینه‌شی» رفتار می‌کنید و ارتباطات بخشی از گروه‌های سیاسی مرجع با رئیس جمهوری محدود شده است. برخی ادعا می‌کنند حتی ارتباط وزرا با رئیس جمهوری هم کمتر شده و بعضی دیگر هم دوگانه و اعطی - جهانگیری در دولت را برجسته می‌کنند.

ببینید، برای یک بار هم که شده باید این مسأله باز شود. آقای رئیس جمهوری همواره یک استراتژی را در ذهن خود داشته و دنبال می‌کردند. ایشان معتقد است باید از همه نیروهای شایسته، چه اصلاح‌طلب، چه اصولگرا و چه مستقل و معتدل تا جایی که تدریجی نداشته باشند، در دولت و کابینه استفاده کرد. اساساً رئیس جمهوری برپایه همین ایده در سال 92 به مردم قول دادند که کابینه من کابینه‌ای از یک جریان خاص نخواهد بود و از همه جریان‌هایی که به من رأی می‌دهند و نیز جریان‌هایی که اصول این فکر را قبول دارند، در کابینه و دولت استفاده می‌کنم. پیش از انتخابات 92، شخصیت‌ها و گروه‌های مختلفی به دلیل سابق و تجربیات بالای ایشان از حضور دکتر روحانی استقبال کردند، اما به طور مشخص یک حزب - شاید با دامنه کمتری - به نام اعتدال و توسعه بود که از روز اول تا روز آخر از آقای رئیس جمهوری حمایت کرد. در هفته آخر هم که آقای دکتر عارف از رقابت کناره‌گیری کرد، برخی اصلاح‌طلبان دیگر نیز وارد کار شدند. آن زمان خیلی از این چهره‌های اصولگرا یا اصلاح‌طلب، طبیعی بود که چندان انتظار نداشتند که حضورشان در دولت خیلی پررنگ باشد، اما آقای رئیس جمهوری اصلاً به این مسائل توجه نکرد و با استراتژی که به آن اشاره کردم، کابینه خود را متشکل از افراد کارآمد و جناح اصلی تشکیل داد و این تصمیم استراتژی شخص ایشان بوده و هست.

یعنی حتی اصلاح‌طلبان هم به دلیل حضور پررنگشان در حمایت از آقای روحانی، انتظار زیادی برای تصدی مسئولیت‌ها نداشتند؟

این مسأله طبیعی بود. به این معنی که تفکر اصلاح‌طلبی به آقای روحانی رأی داد، زیرا در آن زمان میان نامزدهای موجود، ایشان را به خود نزدیک‌تر می‌دیدند. اگر چه جریان حزبی و تشکیلاتی اصلاح‌طلب، از ابتدا نامزد خود را داشتند. براین اساس عملاً آقای دکتر روحانی در کابینه اول خود با یک چارچوب و توازی، هم از دوستان حزب اعتدال و توسعه که همیشه همراه او بودند و مرتب با هم نزدیک بودند، استفاده کردند و هم از دوستان اصلاح‌طلب معتدل و هم از اصولگرایان معتدل. برای کابینه دوم هم، ایشان اصلاً شعار خود را عوض نکردند. به همین دلیل معتقدم برخلاف تمام انتظاراتی که برخی جریان‌های سیاسی برای خودشان به وجود آورده بودند، این انتظارات یکطرفه بود. دکتر روحانی حتی با یک نفر گفت‌وگو نکرده بود که بعداً تصمیم بگیرد کابینه خود را براساس نظر این یا آن حزب بچیند و نه اساساً چنین بحثی مطرح شده بود.

قبل از انتخابات هیچ بحثی درباره سهم و میزان حضور جریان‌ها در کابینه مطرح نبود؟

اصلاً، نه قبل از انتخابات و نه بعد از انتخابات، هیچ گاه چنین بحثی نبود. در 92 و در 96 خود آقای رئیس جمهور کابینه را براساس چارچوبی که داشتند، انتخاب کردند. هر کس مدعی شود که من در تشکیل کابینه سهم و نقش داشتم یا قراری گذاشتیم یا با هم تفاهم کرده بودیم، قطعاً حرف درستی نرود است. حتی کسانی که درباره من گفتند فلانی در انتخاب کابینه نقش داشت، آنان هم حرف درستی نزنند. زیرا شخص آقای رئیس جمهوری با استقلال نظر کابینه خود را انتخاب کردند. البته ممکن است ایشان برای انتخاب یک وزیر یا یک فرد رایزنی کرده یا از او خواسته باشند که درباره آن شخصیت تحقیق کنند؛ اما چه این کار را کرده باشند یا با هر کس دیگری مشورت کرده باشند، در نهایت خودشان تصمیم گرفتند کابینه را چطور تشکیل دهند. به همین دلیل است که می‌بینیم از نظر سیاسی کابینه دوم تفاوتی با کابینه اول ایشان ندارد، ولو چهره‌ها عوض شده باشند، اما وزن‌ها چندان تفاوتی نکرده است.

اما عده‌ای از منتقدان سیاسی درباره میزان نقش‌ها و جایگاه افراد در کابینه بحث‌هایی مطرح می‌کنند و می‌گویند از برخی نقش‌ها کاسته و به نقش‌های دیگر افزوده شده است.

ما همواره کابینه را یک خانواده و یک مجموعه منسجم می‌دانیم و می‌بینیم. به همین دلیل بود که آقای رئیس جمهوری اصلاً به این فکر نکردند که چه کسانی استیضاح شده‌اند و سه وزیر استیضاح شده از چه جریان و خطی هستند، بلکه همه ما بسیج

شدیم و با تمام وجود تلاش کردیم تا آقایان ربیعی، آخوندی و جنتی، از فرصت پاسخگویی برای دفاع قاطع از عملکرد دولت در بخش خودشان استفاده کنند و رأی بیاورند. با وجود این نگاه در رئیس جمهوری مبنی بر تشکیل کابینه‌ای منسجم، بعد از انتخابات انتظار دیگری به وجود آمد و به این انتظار دامن زده شد. به این معنی که برخی فکر کردند کابینه باید تفکر خاصی داشته باشد، وقتی هم که این طور نشد، ابتدا یعنی پیش از آنکه من رئیس دفتر شوم، به آقای رئیس جمهوری انتقاد می‌کردند؛ اما وقتی دیدند ایشان تصمیمی دارد و براساس تصمیم خود عمل می‌کند، پس از حضور من در دفتر رئیس جمهوری، استراتژی آنان عوض شد و به جای ایشان، بنده را هدف گرفتند.

این حملات درحالی بود که اساساً وقتی که این حرف‌ها زده شد، ما اصلاً کار خود را در دفتر رئیس جمهوری آغاز نکرده بودیم. در هفته‌های دوم و سوم حضور ما در دفتر این بحث‌ها شروع شد، پیش از آنکه اساساً معلوم شده باشد با چه کسی و چگونه ارتباط خواهیم داشت. بعد از آن، ادعاهای دیگری را درباره اختلاف بین دکتر جهانگیری و بنده مطرح کردند. با قاطعیت به شما بگویم که هیچ کدام این حرف‌ها درست نیست. رابطه من با آقای جهانگیری از ابتدایی که با هم کار کردیم، در چهار سالی که من وزیر ارتباطات بودم و در این ماه‌ها که رئیس دفتر رئیس جمهوری هستم، غیر از صمیمیت و همکاری نزدیک چیز دیگری میان ما نبوده است. اساساً در این مدت میان من و ایشان کوچک‌ترین مطلبی به وجود نیامده و چه بسا رابطه ما از دوران وزارت هم صمیمی و نزدیک‌تر است.

هیچ وزن‌کشی هم نبوده است؟

به هیچ وجه وزن‌کشی‌ای نبوده است. هیچ مطلب اختلافی نبوده و هر وقت هم با هم کاری داریم، به سرعت به تفاهم می‌رسیم، سریع کارها را دنبال کنیم و بیشتر به هدف فکر می‌کنیم تا چیزهای دیگر و غیر از این، مطلب دیگری نبوده است. درباره وزیران هم، خود وزیران می‌گویند که اکنون سرعت عمل در برخی فعالیت‌ها بیشتر شده است. در این مدت کوتاه علاوه بر جلسات متعددی که آقای رئیس جمهوری با وزیران دارند، هر کدام از وزیران مرتب با آقای رئیس جمهوری تلفنی یا حضوری در تماس هستند. به نظر من این جفا در حق آقای رئیس جمهوری است. زمانی که وزیر ارتباطات بودم با عینک یک وزیر به مسائل دفتر رئیس جمهوری و ارتباطات ایشان نگاه می‌کردم، اما امروز می‌بینم که مسائل و ارتباطات ایشان به گونه دیگری است. اکنون ملاقات‌های ایشان بسیار گسترده است یا مکاتبات وزیران به روز شده، ارتباطاتشان بموقع است و دستورات خود را سریع دریافت می‌کنند. بنابراین، این حرف‌هایی که زده می‌شود، به هیچ عنوان درست نیست. بنابراین، اینکه در دفتر چه می‌گذرد، یک بحث است، اما اینکه کسانی که اصلاً از فرایندهای دفتر مطلع نیستند و حرف‌هایی می‌زنند، بحث دیگری است. هیچ دوگانگی در میان من و هیچ کس دیگری از اعضای دولت وجود ندارد.

تحلیل شما از علت انتشار این مطالب از سوی افراد مختلف چیست؟

من نمی‌توانم نیت‌خوانی کنم، در درجه اول هیچ مسأله‌ای نسبت به چهار سال نخست دولت ریاست جمهوری آقای روحانی تغییر نکرده است. نکته دیگر اینکه هیچ کدام از کسانی که این مطالب را طرح می‌کنند، با من صحبت نکردند. به این معنی که هیچ کدام نیامدند بگویند که این حرف‌ها چیست و بخواهند صحت و سقم آن را از من بپرسند. بنابراین، وقتی چیزی با گذشته تغییر نکرده است، به عنوان یک تحلیل، می‌توانم بگویم تنها مسأله موجود می‌تواند این باشد که مشکل در ذهنیت کسانی است که اینها را مطرح می‌کنند و این ذهنیت باعث طرح چنین مطالبی شده است.

ذهنیت از قبل باید بوده باشد. حتماً بهانه‌ای بوده است.

قائلان به این بحث‌ها دو سه گونه حرف می‌زنند. یکی اینکه می‌گویند مأموریت‌هایی که به عهده دفتر رئیس جمهوری گذاشته می‌شود، به سرعت انجام می‌شود. اینکه اتفاق بسیار خوبی است! برخی هم می‌گویند که فلانی، یعنی من، فردی سیاسی است، در پاسخ باید گفت اگر کسی سیاسی نباشد نمی‌تواند بخوبی از عهده انجام این امور بر بیاید. اما اگر آنان انتظار دارند من مأموریت‌های خود را انجام ندهم، دیگر جایی برای بحث نمی‌ماند. برخی هم می‌گویند ارتباطات دفتر قطع شده است. باید مشخصاً گفته شود ارتباط چه کسی و با چه کسی؟ صرفاً بحث‌ها کلی و بدون مصداق طرح می‌شود. نه فقط شواهد، که حتی آمار برنامه‌ها هم تأیید می‌کنند ارتباط من با اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و شخصیت‌های مختلف به صورت روزانه در جریان است.

با توجه به نقش شما در شکل‌گیری ائتلاف سه گانه اصولگرایان، اصلاح‌طلبان و اعتدالی‌ها در سال 94، بویژه تأثیر شما در حضور اصولگرایان میانه در این ائتلاف، برخی می‌گویند حضور شما در دفتر رئیس جمهوری باعث افزایش وزن این جریان یعنی اصولگرایان معتدل در دفتر رئیس جمهوری شده است.

در 39 سال کار سیاسی و اجرایی خود، همواره تلاش کرده‌ام کار سیاسی و کار اجرایی را از هم جدا کنم و در دفتر رئیس جمهوری نیز قطعاً این رویکرد خود را حفظ خواهم کرد. بنابراین، اینکه جهت‌گیری سیاسی من چیست، به بیرون از دفتر رئیس جمهوری مربوط است و این جهت‌گیری هیچ تأثیری در اداره دفتر رئیس جمهوری نخواهد داشت. اما در نحوه اداره دفتر رئیس جمهوری قطعاً به همان صورت عمل خواهم کرد که وزارت ارتباطات را اداره کردم یا همان‌طور که سال‌های طولانی در وزارت خارجه بودم؛ یعنی رویکرد سیاسی خود را دخالت نمی‌دادم. اساساً اعتقاد من این است که شغل ما حزبی نیست. به این معنی که در دفتر رئیس جمهوری حق ندارم کار حزبی بکنم یا بخواهم براساس تفکر حزبی خود دفتر را اداره کنم. من براساس تفکر حرفه‌ای خود دفتر را اداره می‌کنم و برای این کار از تجربیات گذشته استفاده خواهم کرد تا دفتر به بهترین نحو اداره شود، اما امکان ندارد تفکر سیاسی من باعث شود به برخی نزدیک‌تر و از برخی دورتر شوم؛ نه تنها امکان ندارد، بلکه هیچ گاه این طور نبوده است.

اقتضای روبکرد حزبی شما، در خارج از دفتر رئیس جمهوری چیست؟ یعنی به‌عنوان عضو حزب اعتدال و توسعه، نگاه شما به جریان‌های سیاسی کشور چیست؟

ما در حزب اعتدال و توسعه اساساً روحیه تضاد با هیچ جریانی نداریم، یعنی اینکه می‌گوییم می‌توانیم هم با اصلاح‌طلبان کار کنیم و هم با اصولگرایان معتدل، نه تنها امری منفی نیست، بلکه اتفاقاً مثبت هم هست. اگر می‌گفتیم با یک جریان می‌توانیم کار کنیم و با جریان دیگر نمی‌توانیم، قطعاً یک امر منفی می‌بود که پیامدهای منفی هم برای کشور به‌دنبال می‌داشت. اما اکنون، همان‌طور که ترکیب دولت این واقعیت را تأیید می‌کند، با همه کار می‌کنیم. البته، ما با افراد تند و افراطی از هر جریان و جناحی نمی‌توانیم کار کنیم، اما اگر آدم‌ها معتدل باشند، قطعاً قضیه متفاوت خواهد بود. ما در اعتدال و توسعه معتقدیم مرزهایی که از نظر سیاسی در جامعه کشیده شده و افراد را از هم دور کرده، بیخود و بی‌جهت است و باید برداشته شود.

ما این مرزها را قبول نداریم و به رسمیت نمی‌شناسیم. با این نگاه در دفتر رئیس جمهوری آغوش من برای شخصیت‌ها و تفکرات مختلف باز است؛ چه کسانی که می‌خواهند حمایت شوند، یا کسانی که برای اداره بهتر کشور ایده‌هایی دارند، حتماً ما استقبال می‌کنیم.

پس از حضور شما در دفتر رئیس جمهوری شاهد برگزاری دیدارهای متفاوتی از سوی رئیس جمهوری بودیم که مشخصاً دو دیدار با فرماندهان عالی رتبه سپاه بوده و دیدار با اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز برجسته شد. دلیل انجام این دیدارها و پیامدهای آن چه بود؟

آقای رئیس جمهوری از صبح که وارد نهاد ریاست جمهوری می‌شوند تا پاسی از شب، وقتشان در دیدارها و جلسات سپری می‌شود. خبر برخی از این جلسات منتشر می‌شود و برخی هم نمی‌شود. از نظر من اهمیت دیدار سه‌گانه رئیس جمهوری با سه فراکسیون مجلس که طولانی مدت هم بود، کمتر از دیدارهایی نیست که به آن اشاره کردید. زیرا دیدار با سه فراکسیون، در ابتدای کار رئیس جمهوری در دولت دوازدهم صورت گرفت که هر یک سه ساعت به درازا کشید. این دیدارها بسیار مفید بود و تقریباً همه دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. پیامد این جلسات، تعامل بسیار خوبی بود که میان رئیس جمهوری و مجلس شکل گرفت و کمک کرد متوجه شویم نظرات دوستان برای دولت چیست. دیدارهای دیگری هم بود، از جمله جلسه با همه رؤسای کمیسیون‌های مجلس و نیز کمیسیون تلیق. پیش از دیدار فرماندهان سپاه با رئیس جمهوری، دریافتیم که بی‌دلیل و بی‌جهت، برخی تلاش می‌کنند القا کنند میان دولت و سپاه یک جدایی وجود دارد یا اینکه این جدایی را ایجاد کنند، در صورتی که افتخار دولت یازدهم و دوازدهم تقویت بی‌سابقه توان راهبردی دفاعی کشور و کار نزدیک و حمایت از مأموریت‌های نیروهای مسلح و بویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که این کار، همکاری و حمایت، چه در زمینه تأمین بودجه و چه در زمینه‌های دیگر، مشهود است و مردم باید متوجه این امر می‌شدند.

درخواست‌ها برای دیدار از سوی جامعه روحانیت و سپاه بود یا از دفتر رئیس جمهوری؟

تا آنجا که خاطر من هست، جامعه روحانیت در نظر داشت در جلسه‌ای انتخاب مجدد آقای روحانی را تیریک بگوید. درباره سپاه پاسداران هم هر دو طرف به گفت‌وگو تمایل داشتند. ضمن اینکه نمونه همین دیدارهای مفید، با فرماندهان عالی ارتش هم بوده است. اما مهم‌تر این است که این ارتباط‌ها ادامه داشته و دارد، هرچند تنها خبر همان یک جلسه منتشر شد. به عبارت دیگر جلسات متعدد دیگری با فرماندهان عالی‌رتبه سپاه پاسداران یا با سران قوا انجام شد و می‌شود که خبر آن منتشر نمی‌شود. این جلسات هم مشورتی و درباره موضوعات مختلف داخلی و خارجی بود.

علاوه بر این دیدارها، طرحی خدمت رئیس جمهوری ارائه دادیم و ایشان هم پذیرفتند که در سال 97 جلسات و دیدارهای ایشان با گروه‌های اجتماعی همچون هنرمندان، اساتید دانشگاه، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، نویسندگان و بخش خصوصی افزایش یابد تا به این ترتیب دایره ارتباط، نظرخواهی و مشورت‌ها با این گروه‌ها گسترده‌تر شود و این چهره‌ها و شخصیت‌های غیردولتی و غیرحاکمیتی بتوانند در جلسات کوچک به رئیس جمهوری خود مشورت بدهند. جلسه با صادرکنندگان نمونه کشور یکی از همین جلسات بود.

بعد از اعتراض‌های دی‌ماه، از سوی مراجع رسمی اعلام شد که مطابق بررسی‌ها و نظرسنجی‌های صورت گرفته، شاخص اعتماد در کشور وضعیت مطلوبی ندارد. برای ارتقای اعتماد مردم و تزریق امید و نشاط عمومی چه برنامه‌ای دارید؟

معتقدیم اگر می‌خواهیم شاخص اعتماد به وضع مطلوبی برسد، این تنها وظیفه دولت یا ارکان حاکمیت نیست، بلکه همه بخش‌های جامعه که دولت هم بخشی از آن، ولو بخش بزرگی از آن است، باید وارد میدان شوند. به این معنی که تنها همه ما در کنار هم و با هم می‌توانیم نشاط و امید تولید کنیم. براین اساس نمی‌توانیم سیگنال‌های متناقضی به مردم بفرستیم، یعنی نمی‌توانیم در یک رسانه حرف‌های مثبت طرح کنیم و در رسانه دیگری مدام یاس را پمپاژ کنیم. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که مؤلفه‌های مختلفی روی هم تأثیر گذاشتند تا به چنین وضعیتی رسیدیم. اگر از من پرسید چه کسی مقصر است، می‌گویم همه مقصریم. به عنوان مثال طیفی از رسانه‌ها و حتی صدا و سیما در نوع برخی برنامه‌سازی‌ها و خبررسانی‌ها مقصر است، من و شما فعال سیاسی، مقصریم که به عنوان گروه‌های سیاسی با هم دعوا و مناقشه بی‌حاصل کردیم، برخی رسانه‌ای‌ها مقصرند که تلاش نکردند نیازهای واقعی مردم را منعکس کنند و تحت تأثیر گروه‌های سیاسی، ابزار دعوای آنان شدند، دیگران هم به همین ترتیب. بنابراین اگر می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دقیقی بدهیم، می‌توانیم بگوییم همه با هم تصمیم بگیریم که در عمل پیام مردم را بشنویم و ببینیم چه باید بکنیم تا رفتار، کردار و سیاست‌های ما در جهت امیدآفرینی و نشاط مردم باشد.

مشخصاً دولت صدای مردم را شنید؟

شخص رئیس جمهوری این را اعلام کردند و قبل از هر کسی خود وارد میدان شدند. در اولین جلسه دولت، انتقاد و اعتراض را حق افشار مختلف مردم دانستند و البته صراحتاً با آشوب و اغتشاشی که مخل امنیت عمومی و زمینه ساز دخالت بیگانگان است، مرزبندی کردند.

می‌خواهم از جایگاه حزبی شما سؤالی را مطرح کنم. باتوجه به تجربه موفق ائتلاف اصلاح‌طلبان، اعتدال‌گرایان و اصولگرایان میانه‌رو در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، به باور شما در دو انتخابات پیش رو، این ائتلاف می‌تواند گسترده‌تر شود یا اینکه محدود خواهد شد؟

البته اکنون صحبت کردن از انتخابات 1398 یا 1400 بسیار زود هنگام است. اما آنچه که مربوط به دولت می‌شود، این واقعیت است که اساساً «دولت» وارد مسائل یا بحث‌های انتخاباتی از این دست نمی‌شود و مانند گذشته، در دو انتخابات پیش رو هم تغییری در این رویکرد دولت ایجاد نخواهد شد. اما در کنار این بی‌طرفی سیاسی دولت، واقعیت این است که دولت علاقه‌مند است جناح معتدل کشور، اعم از اصولگرایان میانه، اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان با هم انسجام و ائتلاف داشته باشند زیرا معتقدیم اگر کشور با تفکر اعتدالی اداره شود، توفیق بیشتری حاصل خواهد شد. آقای رئیس جمهور نیز از پیش از این اعتقاد داشتند که یک جریان یا جناح خاص نمی‌تواند به تنهایی کشور را اداره کند، کما اینکه تجربه ثابت کرد این امر مشکلاتی را ایجاد می‌کند. بنابراین، دولت چنین رویکردی دارد. اما اینکه عملاً در انتخابات شاهد چه فرآیندها و اتفاقاتی خواهیم بود، قطعاً به شرایط آن زمان بستگی دارد. همان طور که شما اشاره کردید، حزب اعتدال و توسعه پیشگام شد تا در مقابل تندروی‌ها، اعتدال برجسته شود. با وجود این، از گروه اصولگرایان معتدل که سبیل آنان را آقایان ناطق نوری، علی لاریجانی و در مجلس مستقلینی مانند آقای کاظم جلالی می‌دانیم، معتقدیم فاصله‌چندانی با آنان نداریم، همچنین با اصلاح‌طلبان معتدل که در مجلس چهره‌هایی چون آقای عارف حضور دارند که رفاقت شخص من با ایشان به بیش از 40 سال قبل باز می‌گردد و بسیار به هم نزدیک هستیم، دیدگاه‌های من و آقای عارف هم بسیار به هم نزدیک است. بنابراین، معتقدیم اگر هر گروهی به حق خودش قانع باشد، تمامیت خواه نباشد، در این صورت با شکل‌گیری یک ائتلاف قطعاً مجلس و در مرحله بعد دولت بهتری خواهیم داشت. لذا تنگ کردن دایره ائتلاف را نمی‌پسندیم و رویکرد حذف را هم قبول نداریم، چه بسا ما باید تلاش کنیم دایره ائتلاف گسترده‌تر شود. به نظر من اینکه یک فهرست باشد که همه معتدلان اصولگرا و اصلاح‌طلب از آن حمایت کنند و در نهایت این فهرست رأی بیاورد، بهتر است تا اینکه نیروها پراکنده شوند و هر کدام فهرست خود را ارائه کنند.

طیفی از رسانه‌ها به صورت هماهنگ ادعا کردند که رئیس جمهوری در دیدار نوروزی موافق فیلترینگ تلگرام بوده‌اند. هرچند این ادعا رد شده است اما شفاف بفرمایید نظر دولت در مورد تلگرام و جایگزینی پیام‌رسان بومی چیست؟

آقای رئیس جمهور کاملاً شفاف نظرشان را در این باره گفتند. دولت حتماً معتقد به حمایت از پیام‌رسان‌های بومی است. نه الان، که از دولت یازدهم و زمانی که بنده در وزارت ارتباطات مسئولیت داشتم، قویاً این رویکرد را دنبال کردیم، الان هم در همین مسیر همزمان با تأکید بر تکمیل شبکه ملی اطلاعات حرکت می‌کنیم. البته همان طوری که آقای رئیس جمهور گفتند، هدف دولت از این حمایت فیلترینگ یا ایجاد محدودیت برای پیام‌رسان‌های پرمخاطب و مورد استفاده عمومی مردم نیست، هدف این است که انحصار نرم‌افزارهای خارجی از بین برود. به طور طبیعی دولت دوست ندارد اطلاعات میلیون‌ها کاربر ایرانی، صرفاً در بستر یک پیام‌رسان خارجی رد و بدل شود، از همین رو به جد تلاش می‌کند تا با تقویت نرم‌افزارهای بومی و ارائه سرویس‌های باکیفیت از سوی این پیام‌رسان‌ها، بیشترین حجم تراکم حضور مردم بتدریج به پیام‌رسان‌های ایرانی منتقل شود. با افزایش کیفیت خدمات پیام‌رسان‌های ایرانی حتماً مردم بتدریج سراغ این نرم‌افزارها خواهند رفت. همان طوری که در یکی دو سال گذشته هم منحنی استفاده از این نرم‌افزارها صعودی بوده. با فیلتر کردن رقبای خارجی احتمالاً عکس چیزی که مد نظر ماست رخ می‌دهد. مردم معمولاً وقتی احساس اجبار کنند، مقاومت می‌کنند. تجربه نشان داده دادن قدرت انتخاب به مردم در کنار آموزش و فرهنگ‌سازی بهتر از رفتارهای قیم‌آبانه جواب می‌دهد. این برای خود پیام‌رسان‌های بومی هم خوب نیست که ما رقبای قوی را فیلتر کنیم و میدان را در دست در اختیار آنها قرار بدهیم، کیفیت و پیشرفت همیشه در فضای رقابتی به دست می‌آید.

یک نکته را هم فراموش نکنید، بالاخره میلیون‌ها ایرانی در حال حاضر از تلگرام و سایر پیام‌رسان‌های روز دنیا استفاده و نیازهای ارتباطی خود را از طریق آن رفع می‌کنند. هزاران شغل هم در این بستر شکل گرفته و معیشت افراد زیادی وابسته به آن است. ما که نمی‌توانیم به خواست و تشخیص و انتخاب مردم بی‌اعتنا باشیم. من مطمئنم مردم اگر با سرویس‌های باکیفیت نرم‌افزارهای بومی مواجه شوند و به حفظ اطلاعات و حریم خصوصی خود مطمئن باشند، حتماً آنها را به رقبای خارجی ترجیح می‌دهند. این را هم مطمئنم که جوانان ایرانی این توان را دارند که نرم‌افزارهایی قدرتمندتر و با کیفیت‌تر از رقبای خارجی ایجاد کنند. دولت تلاش می‌کند از توسعه آنها حمایت کند و تسهیلات خوبی هم در اختیار آنها قرار داده است.

مقام معظم رهبری امسال را سال حمایت از کالای ایرانی نامگذاری کردند. رئیس جمهوری هم در جلسه سران قوا پنج ضرورت را برای تحقق این طرح برشمردند. از نظر شما نقشه راه برای تحقق این طرح چیست؟

برای این هدف مجموعه‌ای از اقدامات به طور همزمان و به موازات هم باید انجام شود. همان طور که آقای دکتر روحانی اشاره کردند، از یک سو باید از تولیدکنندگان ملی حمایت کنیم، از طرف دیگر باید با تقویت نظارت، استانداردهای کیفی را ارتقا دهیم و تولیدکنندگان را به تولید محصولات باکیفیت و رقابتی سوق بدهیم. همزمان با این دو اقدام، باید در افکار عمومی و رسانه‌ها با طرح‌های خلاقانه و غیرکلیشه‌ای فرهنگ‌گرایی به کالاهای خارجی را بتدریج تغییر دهیم و ذهنیت مردم را به سمت و سوی استفاده از کالاهای ایرانی سوق بدهیم. ایجاد زمینه‌های صادرات و بازاریابی برای محصولات ایرانی هم نقش مهمی در قوی‌تر شدن تولیدکننده‌های ایرانی خواهد داشت. گام مهم دیگر هم کنترل واردات و مبارزه با قاچاق کالا است. همان طور که عرض

کردم، این اقدامات همه مکمل یکدیگرند و باید به طور همزمان انجام شود. به طور طبیعی اگر صرفاً از تولیدکننده حمایت کنیم و کیفیت را ارتقا ندهیم، مردم تمایلی به خرید کالاهای ایرانی نشان نمی‌دهند. یا مثلاً اگر با تقویت بنگاه‌ها محصول با کیفیت تولید کردیم هم اگر مردم این ذهنیت را داشته باشند که کالای خارجی همیشه برتر از کالای ایرانی است، کاری از پیش نمی‌بریم. یا مثلاً اگر همه چیز درست باشد اما به کنترل واردات و مقابله با قاچاق بی توجهی کنیم، همه رشته‌ها پنبه می‌شود. یک نکته مهم نیز نباید مغفول باشد. از حدود دو دهه پیش جمعیت جوان زیادی بتدریج وارد بازار کار شدند و طبق برنامه اکنون نیاز به کارآفرینی حداقل برای یک میلیون نفر در سال هستیم. دولت تدبیر و امید همین هدف را دارد و به این مرزها نیز نزدیک شده اما باید باور کرد، حتی در سطح جهانی ایجاد یک میلیون شغل پایدار در سال بسیار سخت است. این بار سنگین را همه مردم و مسئولان کشور باید با هم بردارند و از مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند این هدف را محقق کند، حمایت و خرید کالای ایرانی است که رونق بخش تولید و اشتغال خواهد بود.

برچسب ها: [فیلترینگ](#) [1]
[اعتراض](#) [2]